

نگاهی به مواضع مردی که فقط پیروزی می‌خواهد

درس دونالد ترامپ چه می‌گذرد؟

بهاره محبی



اولیه اضافه می‌کنم. افراد برآورد هزینه می‌کنند و می‌گویند هزینه ساخت این ساختمان، ۷۵ میلیون دلار است؛ اما من به صاحب پروژه می‌گویم هزینه ساختش ۱۲۵ میلیون دلار است. سپس همان ساختمان را به ۱۰۰ میلیون می‌سازم. اساسا کار کنیفی انجام داده‌ام؛ اما صاحبان پروژه فکر می‌کنند که کارم بسیار عالی بوده است!>

بر اساس الگوهای رفتاری دونالد ترامپ، رد این حقه را می‌توان در طرح فعلی کاهش ۲۰درصدی نرخ مالیاتی هم دید؛ طرحی که ترامپ گفته بود می‌خواهد به زیر ۱۵ درصد برساند. او دراین‌باره می‌گوید: «من در واقع گفتم ۱۵ درصد که به ۲۰ درصد برسم. شما می‌دانید ۳۰ روز برای مذاکره دراین‌باره زمان هست، من ابتدا ۱۵ درصد را مطرح کردم تا به ۲۰ درصد برسم».

این صفتی است که دونالد ترامپ گویا در رؤسای جمهوری سابق می‌ستاید. او با بازگشت به دهه ۱۹۸۰، درخواست کمک پنج‌میلیون‌دلاری جیمی کارتر برای ساخت کتابخانه ریاست‌جمهوری را یادآوری می‌کند. ترامپ در کتاب خود با عنوان «هنر معامله»، می‌نویسد: «جیمی کارتر این شهامت و شجاعت را داشت که درخواست امری غیرمعمول را داشته باشد و همین توانایی او که کمک کرد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شود». مثال‌های بیشتری هم هست. از نظر فردی که ذهنیتی معامله‌دار دارد، وقتی شخصی که پشت میز مذاکره نشسته، نه شرکت که یک رقیب است، بهترین گزینه، ایجاد فضای رقابتی است. این روش دقیقاً رویکرد چرخش ناگهانی ترامپ به سوی دموکرات‌ها در طرح افزایش سقف بدهی، قانون مهاجرتی موسوم به رویاپردازان و لایحه جنجالی خدمات درمانی را توضیح می‌دهد. ترامپ با اشاره به اوپاماکم‌ری می‌گوید: «فکر می‌کنم دموکرات‌ها می‌خواهند معامله کنند. هم‌زمان فکر می‌کنم یک معامله با جمهوری‌خواهان دارم. بنابراین در شرایط خیلی خوبی قرار دارم. این دقیقاً روشی است که در کسب‌وکار داریم... من اگر مجبور باشم می‌توانم با دموکرات‌ها معامله کنم». ترامپ همچنین با نیم‌نگاهی به چشم‌انداز مذاکراتش درباره طرح کاهش مالیاتی، می‌گوید: «ما درباره همه اینها صحبت خواهیم کرد. در آینده‌ای نه‌چندان دور مذاکرات دشواری را در پیش خواهیم داشت».

البته کسانی که دوررو هم با رئیس‌جمهوری آمریکا مواجه نشده‌اند، از زبان تند او در توئیتر در امان نمانده‌اند. می‌توانید از تجربیات پل رایان بی‌کلاس (به گفته ترامپ)، مک‌کانل سنجیده به کرسی، شومر گران، لیندسی گراهام کندذهن، الیزابت وارن نژادپرست، جان مک‌کین قهرمان ساختگی یا آن هزار

و روز پس از اینکه ترامپ با انتشار توئییتی گفته بود که مدیریت خویش در توفان‌ها به اندازه کافی مورد توجه رسانه‌ها و سیاست‌مداران قرار نگرفته، درباره توفان‌های اخیر آمریکا از او می‌پرسم. او با اشاره به واکنش هوادارانش در توئیتر می‌گوید: «خب من در مدیریت این توفان‌ها نمره خیلی خوبی گرفته‌ام!».

ترامپ با استفاده از توئیتر روش مدرنی برای کسب اعتبار پیدا کرده است. هر چیزی که ترامپ تویت می‌کند، هزاران بار لایک می‌خورد، هزاران بار بازشر می‌شود و ه‌ربار میلیون‌ها کاربر جدید او را در توئیتر دنبال می‌کنند. سؤال این است که اگر این دنبال‌کننده‌ها قلابی باشند، چه؟ شمار زیادی از هواداران ترامپ در توئیتر کسانی هستند که فالو از صحت و درستی آنچه ترامپ می‌گوید، مطالبش را تأیید می‌کنند؛ حتی مطالب خلاف‌واقعش را که از قضا نمونه‌هایش کم هم نیستند. برای ترامپ اعداد ابزاری برای جلب حمایت و تأیید دیگران است. او پیش از ریاست‌جمهوری، در کسب‌وکارش هم برای توجیه اقداماتش، آمارسازی می‌کرد و حالا در اداره کشور هم همین رویکرد را دارد. او برای تحقق وعده‌های نامطلوب انتخاباتی‌اش ازجمله دیوارکشیدن در مرز مکزیک برای جلوگیری از ورود مهاجران این کشور به خاک آمریکا، یا خارج‌کردن ایالات متحده از توافق آواپوهایی‌پاریس (که مخالفان گسترده داخلی و خارجی را در پی داشت)، به هر چیزی که بتواند به تحقق چنین خواسته‌های کمک کند، متوسل می‌شود. برای مثال، وقتی از او درباره دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌پرسم، یادآوری می‌کند در انتخابات ۳۰۶ رأی الکترال آورده است. (رأی الکترال ترامپ در انتخابات ۲۸۹ رأی بوده است). او می‌گوید دموکرات‌ها برای توجیه شکست خود در انتخابات، به یک بهانه نیاز داشتند و حالا با توسل به چنین ادعاهایی می‌خواهند بگویند در حقیقت آنها باید پیروز از انتخابات می‌بودند.

واقعیت این است که برای بزرگ‌ترین تاجر آمریکا که حالا در دفتر ریاست‌جمهوری نشسته، اعداد و ارقام ابزاری برای بازاربایی هستند. البته ترامپ از اعداد به عنوان اهرم فشار هم استفاده می‌کند؛ اهرمی برای تنظیم پارامترها و سرانجام اعلام پیروزی. به زمانی برگردیم که ترامپ در سال ۱۹۸۴اتیم «زنرال‌های نیوجرسی» را در لیگ فوتبال ایالات متحده خرید. او درباره روش کار خود به آنها گفته بود: «وقتی برای کسی چیزی می‌سازم، همیشه ۵۰ تا ۶۰ میلیون به هزینه ساخت

اگر دونالد ترامپ آن‌طور که گفته می‌شود، کاخ سفید را «زباله‌دانی» خوانده، پس احتمالاً علاقه خود را به آن از دست داده است. بخش غربی کاخ سفید که رئیس‌جمهور آمریکا نلی از کاغذهایش را روی میز انبار کرده و غذای خود را صرف می‌کند، همان جایی است که روزگاری روزولت می‌نشست؛ جایی که جان اف کندی بحران موشکی گویا را رفع‌وجوع کرد و دونالد ریگان درگیر جنگ سرد بود. حالا از آن دوران چیزی جز دو گوشی تلفن و یک تکمه تماس باقی نمانده و این چیزی است که ترامپ آن را می‌پسندد. تاجری که حالا رئیس‌جمهور هم شده، در مصاحبه نیم‌ساعته خود با فوربس در کاخ سفید دقیقاً همان رفتاری را دارد که ۳۵ سال پیش (در مصاحبه با این رسانه) داشت. او بدون هیچ تغییری، متکی‌رانه از عملکرد ۹ ماهه‌اش به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا دفاع کرده و می‌گوید: «من در این مدت بیش از هر رئیس‌جمهور دیگری با تصویب قوانین جدید به آمریکا خدمت کرده‌ام. صحبت من فقط درباره فرمان‌های اجرایی نیست که البته بسیار هم مهم هستند؛ من درباره لوايح قانونی که در کنکره تصویب شده صحبت می‌کنم».

رئیس‌جمهور آمریکا درباره اختلافاتش با رکس تیلرسون، وزیر خارجه که گفته شده دونالد ترامپ را کودن خوانده، می‌گوید: «فکر می‌کنم این اخبار جعلی هستند، اما اگر واقعا این حرف را زده باشد، باید تست هوش بدهیم و آن زمان به شما می‌گویم که چه کسی برنده می‌شود». ترامپ همچنین می‌گوید: «من یک لایحه دیگر هم دارم، لایحه توسعه اقتصادی که فکر می‌کنم بسیار جالب باشد. هیچ‌کسی درباره آن چیزی نمی‌داند؛ لایحه محرک‌های توسعه اقتصادی برای شرکت‌هایی که اینجا (در ایالات متحده) هستند. شرکت‌هایی که مشاغل را اینجا حفظ می‌کنند باید پاداش دریافت کنند و البته آتهایی که مشاغل را به خارج از مرزهای ما می‌برند باید به‌سختی تنبیه شوند. این همان قانون چوب و چماق است. البته ممکن است که برخی شرکت‌ها به ترک آمریکا فکر کنند که باید بدانند در این صورت شرایط برای بازگشت آنها و فروش محصولاتشان در ایالات متحده بسیاربسیار سخت‌تر خواهد شد».

از او می‌پرسم شما اولین رئیس‌جمهوری هستید که از بخش خصوصی به کاخ سفید راه یافته و نماینده حزبی هستید که بیش از یک قرن است از سرمایه‌داری و تجارت آزاد حمایت می‌کند و حامی شرکت‌هایی است که خودشان محل دفتر و کارخانه‌هایشان را انتخاب می‌کنند. آیا با این مسئله مشکلی دارید؟

ترامپ پاسخ می‌دهد: «اصلا مشکلی ندارم. آنچه می‌خواهم دوجانبه است. فکر می‌کنم که عبارت متقابل، عبارت بسیار خوبی است. اگر کسی ما را

۵۰ درصد شارژ کند، ما هم باید او ۵۰ درصد شارژ کنیم».

تقریبا یک سال پس از حیرت‌آورترین انتخابات آمریکا در چند دهه گذشته، ناظران اترتاف می‌کنند که هنوز از شوک رسیدن ترامپ به دفتر ریاست‌جمهوری آمریکا بیرون نمانده‌اند، اما واقعیت این است که نباید شوکه شوند. چراکه اقدامات او کاملاً با جهان‌بینی‌اش سازگاری دارد. به اعتقاد ترامپ، اداره کشور به جای اینکه فرصتی برای تبدیل ایدئولوژی به سیاست باشد، بیشتر شبیه اداره یک کسب‌وکار بزرگ است؛ اداره کسب‌وکاری با مجموعه‌ای از معاملات می‌پایان یا برده‌ا و باخت‌های بی‌شمار؛ حال این معاملات می‌توانند پشت میز مذاکره صورت بگیرند یا در دادگاه افکار عمومی.

دونالد ترامپ در پاسخ به این پرسش که «آیا شغل جدیدش سرگرم‌کننده است»، می‌گوید: «سرگرم‌کننده است و از آن لذت می‌برم. ما کلی کار برای انجام‌دادن داریم. آن هم وقتی که سهام‌ها در بازار وضعیت خوبی دارند». وقتی در دفتر کار ترامپ به او می‌گویم که بازارها در زمان ریاست‌جمهوری‌اش ۲۰ درصد رشد داشته‌اند، او زمان را به عقب‌تر برده و مؤکدانه می‌گوید: «۲۵ درصد افزایش از زمان انتخابات. شما باید روند رشد بازارها را از زمان انتخابات در نظر بگیرید. از روز انتخابات، بازارها ۲۵ درصد رشد داشته‌اند، اما اگر هیلاری کلینتون پیروز می‌شد، بازارها سیر نزولی پایداری را در پیش می‌گرفتند».

ترامپ به تولید ناخالص داخلی آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری خود هم افتخار می‌کند و می‌گوید: «تولید ناخالص داخلی در سه‌ماهه آخر ۳۰۱ درصد بود. خیلی از کسانی که در کسب‌وکارهای شما و جاهایی دیگر هستند، می‌گفتند مدت طولانی بود که تولید ناخالص داخلی‌مان به این سطح نرسیده بود. می‌دانید اوپاما هیچ‌وقت به این سطح نرسید».

وقتی می‌گویم که دولت‌های پیشین بارها به چنین سطحی در تولید ناخالص داخلی رسیده‌اند، ترامپ فوراً می‌گوید: «وپاما هیچ‌وقت نتوانست در یک سال به چنین موفقیتی برسد. هیچ‌وقت در یک سال نتوانست. او هشت سال رئیس‌جمهور بود. فکر می‌کنم که ما هم سال‌به‌سال بهتر خواهیم شد و کارنامه عملکردمان در سه‌ماهه جاری فوق‌العاده خواهد بود، البته به‌استثای توفان‌های بزرگ».

ترامپ با استفاده از توئیتر روش مدرنی برای کسب اعتبار پیدا کرده است. هر چیزی که ترامپ تویت می‌کند، هزاران بار لایک می‌خورد، هزاران بار بازشر می‌شود و ه‌ربار میلیون‌ها کاربر جدید او را در توئیتر دنبال می‌کنند. سؤال این است که اگر این دنبال‌کننده‌ها قلابی باشند، چه؟ شمار زیادی از هواداران ترامپ در توئیتر کسانی هستند که فالو از صحت و درستی آنچه ترامپ می‌گوید، مطالبش را تأیید می‌کنند؛ حتی مطالب خلاف‌واقعش را که از قضا نمونه‌هایش کم هم نیستند. برای ترامپ اعداد ابزاری برای جلب حمایت و تأیید دیگران است. او پیش از ریاست‌جمهوری، در کسب‌وکارش هم برای توجیه اقداماتش، آمارسازی می‌کرد و حالا در اداره کشور هم همین رویکرد را دارد. او برای تحقق وعده‌های نامطلوب انتخاباتی‌اش ازجمله دیوارکشیدن در مرز مکزیک برای جلوگیری از ورود مهاجران این کشور به خاک آمریکا، یا خارج‌کردن ایالات متحده از توافق آواپوهایی‌پاریس (که مخالفان گسترده داخلی و خارجی را در پی داشت)، به هر چیزی که بتواند به تحقق چنین خواسته‌های کمک کند، متوسل می‌شود. برای مثال، وقتی از او درباره دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌پرسم، یادآوری می‌کند در انتخابات ۳۰۶ رأی الکترال آورده است. (رأی الکترال ترامپ در انتخابات ۲۸۹ رأی بوده است). او می‌گوید دموکرات‌ها برای توجیه شکست خود در انتخابات، به یک بهانه نیاز داشتند و حالا با توسل به چنین ادعاهایی می‌خواهند بگویند در حقیقت آنها باید پیروز از انتخابات می‌بودند.

واقعیت این است که برای بزرگ‌ترین تاجر آمریکا که حالا در دفتر ریاست‌جمهوری نشسته، اعداد و ارقام ابزاری برای بازاربایی هستند. البته ترامپ از اعداد به عنوان اهرم فشار هم استفاده می‌کند؛ اهرمی برای تنظیم پارامترها و سرانجام اعلام پیروزی. به زمانی برگردیم که ترامپ در سال ۱۹۸۴اتیم «زنرال‌های نیوجرسی» را در لیگ فوتبال ایالات متحده خرید. او درباره روش کار خود به آنها گفته بود: «وقتی برای کسی چیزی می‌سازم، همیشه ۵۰ تا ۶۰ میلیون به هزینه ساخت

جهان

روزنه

معمای چرخش حماس

از زمان اعلام انحلال کمیته اداره سیاسی نوار غزه و ابزار آمادگی حماس برای برگزاری انتخابات سراسری مدتی بیش نمی‌گذرد. دفتر سیاسی حماس ۱۷ سپتامبر با اعلام تغییر سیاست و رویکرد خود در قبال سازمان فتح و تشکیل دولت وحدت ملی، به بازار گمانه‌زنی درباره علل اتخاذ چنین سیاستی دامن زد. عده‌ای از ناظران و تحلیلگران معتقدند حماس برای ادامه حیات سیاسی خود در نوار غزه چاره‌ای جز سازش با سازمان فتح و محدود عباس نداشته است و علت چرخش سیاسی حماس را در سایه اجبارها توضیح می‌دهند. اما دسته دیگری این اقدام را برخاسته از استراتژی سیاسی می‌دانند. به عقیده این گروه، پیشنهاد حماس نه‌تنها نشانه ضعف نیست، بلکه می‌تواند باعث افزایش نفوذ این سازمان در تشکیلات خودگردان هم شود. حماس در نوار غزه با بحران‌ها و مشکلات متنوعی روبه‌روست. برخی از این مشکلات ناشی از محاسبات خطای رهبری این سازمان است و برخی دیگر، برخاسته از اوضاع منطقه. بحران مالی اکنون مهم‌ترین بحران حماس است. فشارهای عربستان و متحدانش در چارچوب بحران دیپلماتیک جاری با قطر، باعث شد که قطر حمایت‌های مالی خود را بسیار کاهش دهد. برخی از ناظران حتی از قطع حمایت مالی قطر از حماس خبر می‌دهند. کمک‌های مالی و پرداخت حقوق کارکنان ادارات نوار غزه نیز که از سوی تشکیلات خودگردان صورت می‌گرفت، در ماه‌های گذشته متوقف شده یا به تعویق افتاده است. همچنین محاسبات غلط سیاسی، به‌ویژه در سوریه و مصر، زیان‌های شدیدی را متوجه حماس کرد. شکست اخوان‌المسلمین در مصر و ناکامی اپوزیسیون سوریه در جنگ داخلی این کشور، به انزوا ی سیاسی حاد حماس منجر شد. محاسبات سیاسی غلط حماس به انزوا ی بیشتر این سازمان در منطقه انجامید. این روزو به به باور تحلیلگران، حماس چاره دیگری نداشت و ناگزیر بود دیر یا زود اقدام کند. پرسش‌هایی که باید برای توضیح چرخش سیاسی حماس به آنها پاسخ گفت، از این قرارند: چرا دقیقاً این اقدامات و چرا در این لحظه خاص؟

آیا انتخاب روز ۱۷ سپتامبر برای اعلام سیاست جدید از سوی حماس تصادفی بوده است؟ بسیاری از مفسران و تحلیلگران به این پرسش پاسخ ن داده‌اند. اما آن دسته که به تاریخ اعلام این تصمیمات از سوی رهبر ی حماس اشاره کرده‌اند، انتخاب این روز را تصادفی نمی‌دانند. محمود عباس در زمان اعلام تصمیمات حماس در توییتورک به‌سر می‌برد. حماس با تصمیم اخیر، تسو پ را به میدان سازمان فتح و محمود عباس انداخته است. از یک سو فلسطینی‌ها، بارها نسبت به جنگ داخلی در تشکیلات خودگردان و بین سازمان حماس و سازمان فتح ابزار نارضایتی کرده‌اند. آنها خواستار آشتی این دو سازمان و تشکیل دولت وحدت ملی شده‌اند. از سوی دیگر، همکاری با سازمان حماس برای سازمان آزادی‌بخش فلسطین و محمود عباس هزینه کلانی دارد. همکاری با حماس، یعنی سازمانی که از سوی آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در شمار سازمان‌های تروریستی است، بیشتر مذاکرات با اسرائیل را دشوار می‌کند. حماس با طرح برگزاری انتخابات سراسری پارلمانی و همچنین انتخابات ریاست در مناطق تحت حکومت تشکیلات خودگردان عملاً چیزی از دست نمی‌دهد. به چپ‌باوندان از نارضایتی مردم از محمود عباس برای افزایش نفوذ خود در کرانه غربی نیز بهره‌گیرد. نتیجه این روند، افزایش نفوذ حماس در تشکیلات خودگردان خواهد بود و هرگاه سازمان فتح حاضر باشد اجزای این پیشنهاد مخالفت کند، در عمل اسرائیل را مجبور خواهد دید. بنابراین می‌توان گفت چرخش سیاسی حماس گرچه تصمیمی از سر اجبار است، اما در عین حال تصمیمی است که شاید بتوان آن را نتیجه نگاه متفاوت یحیی سنوار، رهبر جدید حماس، دانست.

از ترامپ می‌پرسم که آیا دولت او اکنون هیچ مسئولیتی ندارد؟ پاسخ می‌دهد: «مسئولیت دارد اما من همیشه گفته‌ام که اوپاماگر اشتباه اوپاما بوده است و هیچ وقت به پای او نوشته نخواهد شد».

دونالد ترامپ تقریباً همین رویکرد را در سیاست خارجی دارد؛ چه درباره توافق هسته‌ای با ایران، توافق پیمان آب‌وهوایی پاریس یا مخصوصاً پیمان‌های تجارت آزادی که امضای دولت‌های پیشین به‌ویژه دولت باراک اوپاما پای آنها وجود دارد. از ترامپ می‌پرسم که آیا هیچ مسئولیتی در قبال پیمان‌هایی که دولت قبل امضا کرده است احساس می‌کند؟ پاسخ ترامپ صریح و بدون مکت است: «نه».

این برای آمریکا خطرناک است که دولت به‌جای تحکیم توافق‌های پیشینیان، تمام آنها را به عقب بازگرداند. این به معنی تضعیف دولت آمریکا در داخل و جامعه جهانی است. اما دونالد ترامپ این را هم انکار می‌کند. او می‌گوید: «تصور می‌کنم که اگر بخواهیم پیمان نفتا را سرِ اجرا کنیم، متوقف خواهد شد. از طرف دیگر، به اعتقاد من نمی‌توانید بر سر یک توافق خوب مذاکره کنید؛ وقتی که قرار است توافق چنین دامنه گسترده‌ای مثل نفتا داشته باشد. نتیجه چنین تلاشی یک فاجعه خواهد بود. افتخار بزرگی برای من است که چنین توافقی را متوقف کنم و البته افراد زیادی دراین‌باره با من هم‌عقیده هستند. من توافق‌های دوجانبه را ترجیح می‌دهم».

دقیقا همین است. ترامپ در تمام طول عمر خود توافق‌های دوجانبه داشته است. توافق‌هایی که در آن چشم‌انداز برنده - بازنده‌بودن کاملاً روشن است اما چنین رویکردی اعتبار آمریکا را در جهان چندجانبه امروز خدشه‌دار نمی‌کند؟ترامپ می‌گوید: «می‌توانید این راه را در پیش بگیرید و بیشتر تجارت کنید. اگر این روش برای یک کشور جواب نداد یک مهلت ۳۰روزه به آن می‌دهید و بعد از آن دوباره مذاکرات می‌کنید یا نمی‌کنید».دقیقا همین رویکرد دوجانبه ترامپ است که تلاش دولت او را برای کاهش کمک‌های خارجی توجیه می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید: «برای من آمریکا در درجه اول قرار دارد. ما سال‌ها یزادی را را رویکرد گذشته یی کردیم و مجبور شدیم که ۲۰ هزار میلیارد دلار قرض بگیریم. درست است؟».

ترامپ قصد دارد در امور دیگر نیز آمریکا را شبیه سازمان ترامپ اداره کند. به‌همین دلیل است که تمایل زیادی ندارد که پست‌های خالی دولت را پر کند. او می‌گوید: «نمی‌خواهیم افراد زیادی را وارد دولت کنیم؛ چون به آنها نیازی نداریم. منظورم این است که به برخی از این آژانس‌های دولتی نامه می‌کنیم و می‌بینیم که تا حد عریض و طویل هستند؛ آن در هم در شرایطی که هیچ ضرورتی ندارد».

در پایان از دونالد ترامپ که تاکنون هیچ رئیسی نداشته و هرگز خود را ملزم به پاسخ‌گویی ندیده می‌پرسم چه احساسی دارد که حالا ۳۳۰ میلیون (مردم آمریکا) رئیس دارد که باید به آنها پاسخ‌خو باشد؟ ترامپ پاسخ می‌دهد: «مهم نیست چون قصد دارم درست را انجام دهم».

منبع: وب‌سایت فوربس

ادامه از صفحه ۹

همچنان امیدی هست حتی برای من

✎ **چطور حدس زدی؟**
آفتقرا ه سخت نبود. این روزها همه روسیه را مقصر می‌دانند.
✎ **به حق؟**

نمی‌دانم. آنها احتمالاً سیستم‌های کمپین هیلاری کلینتون را هک کرده بودند، ولی ما باید این را ثابت می‌کردیم. در قضیه هک سونی، اف‌بی‌آی درباره دست‌داشتن کره شمالی در این هک‌ها شواهدی ارائه کرد. در این مورد آنها چنین کاری نکردند، هرچند من مطمئن شده‌ام که آنها شواهدی دارند. سؤال این است که چرا؟

✎ **جوابی دارید؟**
به نظرم ان‌اس‌ای یقیناً هرکرا را می‌شناخت. ولی مطمئنم آنها دیده‌اند تعداد زیادی هکر دیگر هم در این موضوع دست داشته‌اند. احتمالاً شش یا هفت گروه در این عملیات دست داشته‌اند. کمیته ملی حزب دموکرات هدف بزرگی برای هک است و ظاهراً امنیت‌شان هم خیلی بالا نیست. این کمیته حاضر نشده سرورهایش را به اف‌بی‌آی ارائه دهد، که واقعا عجیب و غریب است. بنابراین فکر کنم واقعیت این بود که داستان‌هایی درباره روس‌ها سر هم شد.

✎ **در جریان هستی که یک‌سری افراد کاملاً بانفوذ، حتی مقامات بلندپایه دولتی آلمان، تلاش می‌کنند بگویند شما رابطه نزدیکی با روس‌ها دارید.**

بله، مخصوصاً آن آقای هانس آلمانی.

✎ **اشبیکان: منظور تان هانس جورج ماسن، رئیس سرویس اطلاعات داخلی آلمان است. او چندباری با گوشه و کتابه گفته ممکن است شما جاسوس روسیه باشید. هستی؟**
نیستم، او حتی این منش اخلاقی را ندارد که بگوید: «به نظرم این شخص جاسوس است». به جایش می‌گوید، «نمی‌توان ثابت کرد که آقای اسنودن عامل روسیه است یا نه». شما می‌توانید به‌معنای واقعی کلمه این را درباره هرکسی بگویید. فکر می‌کردم، و امیدوار بودم که در یک جامعه باز، ما از روزهایی عبور کرده‌ایم که این سازمان‌های پلیسی مخفی خیلی ساده منتقدان خود را متهم می‌کردند. من حتی عصبانی هم نیستم. فقط ناامید شده‌ام.

✎ **با وجود این، خیلی از مردم، در همین آلمان هم، مانده‌اند که شما چه نوع امتیازاتی داشتید که بتوانید میهمان روسیه شوید.**

خوشحالم که چنین سوآلی پرسیدید چون درست به نظر می‌رسد، می‌گویند او در روسیه زندگی می‌کند. خب حتماً باید یک‌سری چیزها بدهد، درست است؟ ولی وقتی دقیق نگاه می‌کنید، جایی برای این فکرها باقی نمی‌ماند. من نه هیچ اسنادی دارم و نه دسترسی به مدارکی. اسناد دست روزنامه‌نگاران است و از همین‌روست که وقتی من از مرز گذشتم چین و روسیه نمی‌توانستند مرا تهدید کنند. من نمی‌توانستم کمک‌ی به آنها بکنم، حتی اگر آنها اتقدر مرا شکنجه می‌دادند که انگشتانم کنده می‌شد.

✎ **هنوز برای خیلی‌ها سخت است که باور کنند روس‌ها همین‌طوری به شما اجازه ورود داده باشند.**

می‌دانم شما فکر می‌کنید حتماً معاملهای درکار بوده است. اما یک بار دیگر به این موضوع فکر کنید: من سعی کردم به آمریکای لاتین بروم، ولی دولت ایالات‌متحده گزندارنام‌ه را لغو کرد و من در فرودگاه روسیه گیر افتادم. رئیس‌جمهوری آمریکا هم روز به روز پرس پیغام می‌فرستاد. خواستار استرداد من می‌شد. وضعیت سیاست داخله روسیه را تصور کنید. وجهه شخصی بوتین، وجهه‌اش در بین مردم روسیه و اینکه چطور به نظر می‌رسید اگر رئیس‌جمهوری روسیه می‌گفت «بله، خیلی متأسفم، بفرمایید، این یارو برای شما». حتی شاید توضیح ساده‌تری هم برای این امر باشد، اینکه دولت روسیه فقط از فرصت نادر توانایی «نه» گفتن بهره برده است. تازادی واقعی این است که من برای آلمان، فرانسه و ۲۱ کشور دیگر در سرتراش جهان درخواست پناهندگی دادم و فقط بعد از اینکه همه این کشورها «نه» گفتند روس‌ها در نهایت پناهندگی من را پذیرفتند.

✎ **مایک پمپئو، رئیس جدید سازمان سیا، ویکی‌لیکس را، که کلایش به کمک شما آمدند، متهم کرده سخنگوی روسیه است. این برای وجهه شما مضرت نیست؟**

اولاً ما باید درباره اتهاماتی که زده می‌شود عادل باشیم. فکر نمی‌کنم دولت ایالات‌متحده یا هیچ‌کسی در جامعه اطلاعاتی، جولیان آسانژ یا ویکی‌لیکس را به همکاری مستقیم با دولت روسیه متهم کرده باشد. تا آنجایی که من می‌دانم اتهامات این است که آنها به‌عنوان ابزاری برای پاک‌کردن رد اسنادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که از سوی دولت روسیه ربوده شده بود و البته جای نگرانی است. فکر نمی‌کنم مستقیماً بر من تأثیر بگذارد، چراکه از ویکی‌لیکس نیستم و درباره سرمنشا اسنادی که من با آنها سروکار دارم هیچ مشکلی وجود ندارد.

✎ **در حال حاضر، یک آمریکایی دیگر هم هست که به نزدیکی به روسیه متهم شده است.**

اوه (می‌خندد).

✎ **رئیس‌جمهورتان، آیا او رئیس‌جمهورتان است؟**

من با این ایده سر سازگاری دارم که نمی‌ای رای‌دهندگان آمریکایی فکر می‌کردند دونالد ترامپ در میان ما بهترین بوده است و فکر می‌کنم همه ما در طول چند دهه آینده با این ایده مبارزه کنیم.

✎ **احتمالاً با آسیب‌رساندن اتفاقی به سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، به آرمان تو کمک خواهد کرد.**

فکر نمی‌کنم یک رئیس‌جمهور به‌تنهایی توانایی این را داشته باشد که به هر طرف‌مقداری به سرویس‌های اطلاعاتی آسیب برساند. بخره، رسانه‌ها، فرهنگ و هالیوود این را دوردسته را مثبت جلوه می‌دهند. برخی آنها را دولت پنهان می‌نامند، ولی این تاحدود زیادی مسئله‌ای است که دولت پنهان مردم از محمود عباس برای افزایش نفوذ خود در کرانه غربی نیز بهره‌گیرد. نتیجه این روند، افزایش نفوذ حماس در تشکیلات خودگردان خواهد بود و هرگاه سازمان فتح حاضر باشد اجزای این پیشنهاد مخالفت کند، در عمل اسرائیل را مجبور خواهد دید. بنابراین می‌توان گفت چرخش سیاسی حماس گرچه تصمیمی از سر اجبار است، اما در عین حال تصمیمی است که شاید بتوان آن را نتیجه نگاه متفاوت یحیی سنوار، رهبر جدید حماس، دانست.

✎ **این فقط همان توهم توطئه نیست؟**
کاش اینطور نبود. به انتخاب باراک اوپاما نگاه کنید،کسی که با هر معیاری در آن زمان، مردم آن را مرد بی‌غل‌وغشی می‌دیدند که می‌خواست اصلاحاتی به پیش ببرد و کواتنامو را ببندد، به نظارت جمعی آن زمان پایان دهد. تحقیقاتی را درباره جنایت‌های دوران بوش راه بیندازد و خیلی کارهای دیگر. ۱۰۰ روز بعد از به قدرت رسیدن، نظرش درباره آن وعده‌ها به‌کلی چرخید و گفت آمده‌ایم تا جلو برویم نه عقب. دولت پنهان همیشه گرچه ممکن است نتواند رئیس‌جمهور را انتخاب کند، اما می‌تواند خیلی سریع آنها را شکل دهد و دقیقاً با همان ابزارهایی این کار را می‌کنند که با آنها ما را شکل می‌دهند.

✎ **هنوز امیدواری که یک روز بتوانی به آمریکا برگردی؟**

بله، کاملاً. نمی‌خواهم درباره احتمالش قضاوتی کنم، ولی شما به اتهاماتی که علیه من هست اشاره کردید. هر سال که می‌گذرد، کمتر و کمتر درباره‌اش می‌شنوید و به‌نظرم این یعنی همچنان امیدی برای آینده هست، حتی برای من.